



## بیانات در اجتماع بزرگ مردم بجنورد - 19 / مهر / 1391

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیدنا و حبیبنا ابی القاسم المصطفی محمد و علی ءاله الأطیبین الأطهرین و صحبه المنتجبین و السّلام علی عباد الله الصّالحین.

اللّهم صلّ علی علی بن موسی الرضا المرتضی الامام التّقیّ التّقیّ و حجّتک علی من فوق الأرض و من تحت الثّری الصّدیق الشّهید صلاة کثیرة تامّة نامیة زاکیة متواصلة مترادفة كأفضل ما صلّیت علی احد من عبادک و اولیائک. خداوند را سپاس - از صمیم قلب عرض میکنم - که دیدار با شما مردم عزیز استان خراسان شمالی، که شهر شما و استان شما معروف است به باب الرضا، در روز زیارتی مخصوص امام رضا اتفاق افتاد. اگرچه ما امروز توفیق نداریم که از نزدیک در حرم مطهر امام هشتم باشیم، اما از این منطقه که متعلق به آن حضرت است، عرض سلام کردیم و میکنیم.

این منطقه که امروز به نام «خراسان شمالی» شناخته میشود، یکی از مناطق مهم خراسان است؛ هم از جهت موقعیت جغرافیائی و طبیعی، و هم از جهت خصوصیات مردمی و انسانی و فرهنگها و خلیقات و رفتار. این خصوصیات را از دیرباز در مردم این منطقه‌ی مهم و حساس شناخته‌ایم؛ استانی با طبیعت زیبا، با منابع طبیعی غنی و متنوع، با عمق و غنای فرهنگی کاملاً برجسته و ممتاز، با استعداد فراوان کشاورزی و دامی و سایر فعالیت‌های مربوط به منطقه، با جاذبه‌های گردشگری متأسفانه ناشناخته - که بسیاری از مردم کشور هنوز جاذبه‌های گردشگری این منطقه را درست نمیشناسند - و یکی از برترین خصوصیات، عبور سالیانه‌ی میلیون‌ها مردم مسافر مشتاق بارگاه علی بن موسی الرضا (علیه آلاف الثّیّة و الثّناء). با این خصوصیات جغرافیائی و منطقه‌ای، منطقه‌ی خراسان شمالی دارای موقعیت حساسی است. لیکن از اینها مهمتر، خصوصیات مردمی است. مردم اینجا را از دیرباز با شور و نشاط و سرزندگی در همه‌ی میدانها شناخته‌ایم. در همه‌ی عرصه‌هایی که حضور مردم در آن عرصه‌ها آشکار است، مردم استان خراسان شمالی را، مردم بجنورد را، و دیگر مناطق این استان را با سرزندگی، با نشاط و آماده‌به‌کاری شناختیم؛ همه جا هم این را نشان دادند.

همین جا من از حضور امروز مردم در خیابانها، هم تشکر میکنم - که همین نشاط و سرزندگی و حضور و آمادگی، در حرکت مردم در این يك ساعت و نیم دو ساعتی که ما در خیابان بودیم، محسوس بود؛ این را از دیرباز در این مردم شناخته‌ایم - هم عذرخواهی میکنم. جوانهای عزیز در خیابان آنچنان تراکمی را ایجاد کرده بودند که حقیقتاً من که داخل خودرو نشسته بودم، نگران میشدم از فشاری که بر این مردم عزیز وارد می‌آمد. بالاخره، هم متشکریم، هم عذرخواه.

این نشاط و سرزندگی در همه‌ی عرصه‌های زندگی این مردم دیده میشود. در بیست و هشتم صفر که از سرتاسر استان مردم راه می‌افتند به طرف مرقد علی بن موسی الرضا (علیه السّلام)، از همه‌ی شهرستانها بیشتر، مسافران و خودروهای بجنوردند. این را مشهدی‌ها میدانند؛ خود بنده هم که مشهدی هستم، این را میدانم. در زیارت، این نشاط و حضور و آمادگی محسوس است.

در عرصه‌ی دفاع مقدس هم که پیش آمد، عین همین را انسان مشاهده کرد. 50 سردار برجسته‌ی لشکرهای مربوط به خراسان و تیپ جوادالائم (علیه السّلام) مال خطه‌ی خراسان شمالی‌اند. 2772 شهید از این منطقه در راه خدا جان خودشان را داده‌اند. این استان بیش از 6000 جانباز دارد؛ همچنین آزادگان و رزمندگان و ایثارگران فراوان. این همان روحیه‌ی حضور، آمادگی، سرزندگی و نشاط است.

مردم این استان، در همه چیز همین جورند. وقتی نوبت کشتی با چوچه هم میرسد، باز دهها هزار تماشاچی



می‌ایستند آنجا، می‌نشینند آنجا، کشتی را تماشا میکنند. این خصوصیات، خصوصیات مهمی است. غیرت مرزبانی این منطقه هم مرتبط با همین خصوصیات است. البته فقط اینها نیست؛ برجستگی‌های این استان بیش از اینهاست.

این استان استعدادهای درخشانی دارد. آنطوری که به من اطلاع دادند، این استان جزو ده استان برتر کشوری از لحاظ استعداد و توانائی علمی است. در المپیادهای دانش‌آموزی، جزو برترینهای کشور محسوب میشود. اینها استعداد است. البته بنده خودم هم در دوران طلبگی در مشهد نمونه‌هایی از همین استعدادهای درخشان و برجسته را آنجا دیدم، که حالا طرحش اینجا لزومی ندارد؛ ان‌شاءالله در جمع علما و طلاب عرض خواهم کرد. مردم این منطقه، غیورند؛ دیندارند؛ مرزبانند؛ سرزنده و بانشاط و شجاعند. این خصوصیات، خصوصیات برجسته‌ای است. چرا اینها را عرض میکنیم؟ برای اینکه خوب است مردم مناطق گوناگون کشور ما برجستگی‌های خودشان را بدانند و به این برجستگی‌ها افتخار کنند. جوان بجنوردی افتخار کند که مربوط به این شهر است. جوان مربوط به این استان، از هر قومی از اقوام که هست، افتخار کند که متعلق به این استان است؛ متعلق به این منطقه است؛ متعلق به این مردم است. یکی از برجستگی‌های دیگر این استان هم همین همراهی و همزیستی مهربانانه و برادرانه‌ی قومیت‌های مختلف است - از کرد و فارس و ترک و تات و ترکمن - که با سلامت و مهربانی و برادری در کنار هم زندگی کرده‌اند؛ که این در منطقه کاملاً محسوس است، مشهود است؛ و این را خیلی باید قدر دانست.

خب، از همین جا من وارد مطلب اصلی مورد نظر خودم بشوم. عزیزان من! برادران! خواهران! این امتیازات را شنیدید. این نشاط و سرزندگی و آماده‌به‌کاری از بعد از انقلاب تا امروز در سرتاسر کشور وجود دارد؛ و این یک موهبت بزرگ است برای ملتی که درصدد حرکت به جلو است، درصدد ترقی و تعالی است، دنبال حیات طیبه است. این حالت آماده‌به‌کاری، نشاط، سرزندگی و پای کار بودن، نعمت بزرگی است؛ ولی این کافی نیست. برای رفتن به قله‌ها، شرط‌های دیگری هم وجود دارد. اولاً باید یک نقشه‌ی راه وجود داشته باشد؛ یعنی هدف حرکت معلوم باشد، چشم‌انداز حرکت معلوم باشد، خط سیر این حرکت ترسیم شده باشد، بعد هم فهم دائمی و درست و رصد کردن دائم از این حرکت. این برای یک ملت لازم است. امروز اینها جزو مسائل اصلی ماست.

من اصرار دارم که بالخصوص جوانهای عزیز ما و نخبگان کشور به مسائل اصلی امروز توجه داشته باشند؛ ما امروز اینها را لازم داریم. هدفهای این حرکت، از اول انقلاب ترسیم شد؛ هم در شعارهای مردم، هم در بیانات امام (رضوان الله تعالی علیه) نقشه‌ی راه به طور اجمالی معلوم شد؛ بعد هم در طول زمان، در این سی سال، نقشه‌ی راه تدوین شد، پخته شد، تکمیل شد؛ امروز ملت ایران میداند که چه میخواهد و دنبال چیست.

اگر بخواهیم هدفهای ملت ایران را در یک مفهوم خلاصه کنیم که بتواند تا حدود زیادی خواسته‌های عمومی کشور و ملت را بیان کند و آن را در بر بگیرد، آن مفهوم کلیدی عبارت است از پیشرفت؛ منتها با تعریفی که اسلام برای پیشرفت میکند. پیشرفت در منطق اسلام، متفاوت است با پیشرفت در منطق تمدن مادی غرب. آنها یک بُعدی می‌بینند، آنها با یک جهت - جهت مادی - به پیشرفت نگاه میکنند. پیشرفت در نظر آنها، در درجه‌ی اول و به عنوان مهمترین، عبارت است از پیشرفت در ثروت و پیشرفت در علم و پیشرفت نظامی و پیشرفت فناوری. پیشرفت در منطق غربی اینهاست؛ اما در منطق اسلامی، پیشرفت ابعاد بیشتری دارد: پیشرفت در علم، پیشرفت در اخلاق، پیشرفت در عدالت، پیشرفت در رفاه عمومی، پیشرفت در اقتصاد، پیشرفت در عزت و اعتبار بین‌المللی، پیشرفت در استقلال سیاسی - اینها همه در مفهوم پیشرفت، در اسلام گنجانده شده است - پیشرفت در عبودیت و تقرب به خدای متعال؛ یعنی جنبه‌ی معنوی، جنبه‌ی الهی؛ این هم جزو پیشرفتی است که در اسلام هست و در انقلاب ما هدف نهائی ماست: تقرب به خدا. هم «دنیا» در این پیشرفتی که مورد نظر است، ملحوظ شده است، هم «آخرت». اسلام به ما آموخته است که «لیس من ترک دنیا لأخرته و لا آخرته لدنیه»؛ (1) دنیا را برای آخرت نباید ترک کرد،



همچنان که آخرت را نباید فدای دنیا کرد. در يك روايتی مي‌فرمايد: «اعمل لدنياك كأنتك تعيش ابدًا»؛ يعنى برنامه‌ريزی دنیا را فقط برای چند روزه‌ی زندگی خودت نکن؛ برای پنجاه سال برنامه‌ريزی کن. این را مسئولان کشور، مسئولان برنامه‌های عمومی مردمی باید مورد توجهشان قرار بدهند. نگوئیم ما که معلوم نیست پنجاه سال دیگر زنده باشیم، چرا برنامه‌ريزی کنیم. نخیر، جوری برنامه‌ريزی کن که گوئی بناست تا آخر دنیا زنده باشی؛ همچنان که اگر برای خودت و به نفع خود خواهی برنامه‌ريزی کنی، با چه جدیت و دقتی میکنی، برای نسلهای آینده هم که تو در آن وقت نیستی، همان جور برنامه‌ريزی کن؛ «اعمل لدنياك كأنتك تعيش ابدًا». نقطه‌ی مقابل هم: «و اعمل لأخرتك كأنتك تموت غدا»؛ (2) برای آخرت هم جوری عمل کن، مثل اینکه فردا بناست از این دنیا بروی. يعنى هم برای دنیا سنگ تمام بگذار، هم برای آخرت سنگ تمام بگذار. پیشرفت اسلامی، پیشرفت در منطق انقلاب، يعنى این؛ يعنى همه‌جانبه.

هدف، پیشرفت است؛ منتها رصد کردن مرحله به مرحله هم لازم است، که این کار نخبگان است. امروز شرائط ما چگونه است، موانع ما چیست، نقاط قوت ما کدام است، نقاط ضعف ما کدام است، فرصتها مان کدام است، تهدیدها چیست، چه کار باید بکنیم، برای بهره‌مندی از فرصتها و جلوگیری از خطر تهدیدها چگونه برنامه‌ريزی کنیم؛ اینها کارهائی است که باید نخبگان در هر مرحله‌ای انجام دهند؛ هم در برنامه‌ريزی‌ها آن را به کار ببرند، و هم مردم را آگاه کنند؛ چون مردم میخواهند با چشم باز و با بصیرت حرکت کنند، بدانند چه میکنند، بدانند کجا میروند. وقتی اینجور شد، مردم با همه‌ی وجود وارد میدانهای دشوار خواهند شد.

خب، حالا من اگر بخواهم يك قضاوتی بکنم نسبت به این هدفی که گفته شد، قضاوت من قضاوت مثبت است. در طول دوران سی ساله‌ی انقلاب، ما به طور مرتب پیشرفت کرده‌ایم. البته فراز و فرود بوده است، تندی و کندی بوده است، ضعف و قوت بوده است، اما هرگز پیشرفت کشور و ملت به سوی آن قله‌ی مورد نظر متوقف نشده است. ضعفهائی وجود داشته است؛ باید ملت، مسئولان و نخبگان - نخبگان سیاسی، نخبگان علمی، نخبگان روحانی - تصمیم بگیرند این ضعفها را برطرف کنند.

پیشرفت کشور را تسریع کنیم. امروز چه چیزهائی میتواند ما را موفق کند و چه چیزهائی میتواند برای ما مشکلات به وجود بیاورد؟ من يك مثالی بزنم: يك گروه کوهنورد را در نظر بگیرید که میخواهند خودشان را برسانند به قله‌ی برجسته‌ی این کوه که دارای منافع است، دارای افتخار است. هم آنها در درجه‌ی اول، پیش رفتن و کار کردن و تلاش کردن است. البته در راه ممکن است مشکلاتی پیش بیاید، خطرهای وجود دارد. آنچه برای آنها در درجه‌ی اول ضروری است، عبارت است از اینکه تلاش کنند، کار کنند، تحرك داشته باشند، عزم راسخ داشته باشند، امید خود را از دست ندهند، نسبت به رسیدن به اهداف ناامید نشوند، صبر داشته باشند، برنامه‌ريزی داشته باشند، هشیاری و آمادگی برای مواجهه‌ی با مشکلات داشته باشند. ممکن است در هر راهی مشکلات و خطرهای پیش بیاید، که من اشاره خواهم کرد به آنچه که در سی ساله‌ی انقلاب در مقابل مردم عزیز ما پیش آمده و مردم از این مشکلات عبور کرده‌اند. پس سازوبرگ اصلی این حرکت عظیم و بزرگ عبارت است از همین عزم راسخ، همین امید، همین کار و تلاش پیگیر، همین برنامه‌ريزی، همین آمادگی و هشیاری. اگر این سازوبرگ اصلی وجود داشت، اگر این ارکان اصلی را دارا بود، این مجموعه‌ای که دارد حرکت میکند - در مثال ما، کوهنوردان؛ و در واقعیت، ملت ایران - بر تمام مشکلات فائق می‌آید و میتواند همه‌ی دشمنان خود را به زانو در بیاورد. اساس، این است. اگر این سازوبرگ وجود داشته باشد، هیچ مشکلی به معنای واقعی کامل، مشکل نیست؛ هیچ خطری خطر نیست. خطر واقعی چیست؟ خطر واقعی این است که ملت این سازوبرگ اصلی را از دست بدهد؛ يعنى روحیه‌ی کار و تلاش را از دست بدهد، دچار تنبلی شود؛ روحیه‌ی امید را از دست بدهد، دچار یأس شود؛ صبر و مقاومت را از دست بدهد، دچار شتابزدگی شود؛ برنامه‌ريزی را فراموش کند، دچار بی‌برنامگی و سردرگمی شود؛ اینها خطر است. اگر يك ملتی توانست این



روحیه‌ی برجسته‌ی خود را که آمیخته‌ای از امید و عزم و ایمان و تلاش و حرکت است، حفظ کند، هیچ مشکلی در مقابل او مشکل نیست.

حالا برگردیم صحنه‌ی ایران عزیز و ملت بزرگ ایران را مشاهده کنیم. من مایلم آنچه را که می‌گویم، آنچه را که درباره‌ی آن فکر میکنم، منطبق با منطق باشد؛ نمی‌خواهیم حرف شعاری بزنیم. با لاف و گزاف گفتن در مسائل گوناگون، بخصوص در مسائل انقلاب، بنده موافق نیستیم. ببینیم منطقی چیست، واقعیتها چیست.

ملت ایران يك عرصه‌ی رویارویی با يك مجموعه‌ی دشمن دارد، دشمنی را هم آنها شروع کردند، در رأس دشمنها هم شبکه‌ی خطرناك خبیث صهیونیستی است، که متأسفانه بعضاً دولتهای غربی و بخصوص دولت آمریکا تحت تأثیر این شبکه‌اند. اینها از اول انقلاب با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی مخالفت کردند؛ کینه‌ی این مردمی را که انقلاب کرده‌اند، به دل گرفته‌اند؛ الان هم همین جور است. حالا در این صحنه‌ی رویارویی، يك طرف ملت ایران است، يك طرف هم برخی از قدرتهائی که کینه‌ورزانه با ملت ایران دشمنی میکنند. وقتی عرصه را نگاه میکنیم، اگر يك نگاه به ملت عزیزمان بکنیم، می‌بینیم ملت ما دارای عزم است، دارای امید است، دارای استعداد برتر است، دارای نسل جوان پرانگیزه و پرتلاش است. این حضور نسل جوان، در همه‌ی میدانها خودش را دارد نشان میدهد: در میدان علم، که امروز در دنیا به آن اعتراف میکنند؛ در میدان فناوری، در میدانهای گوناگون اجتماعی؛ آن وقتی که پیش آمد، در دفاع مقدس؛ امروز هم در آمادگی‌های گوناگون. اینها را امروز ملت ایران دارد؛ چشم‌انداز بیست ساله را هم دارد، ابزارهای لازم برای حرکت به سمت جلو را هم دارد، منابع طبیعی هم دارد، معادن ارزشمند هم دارد.

آنچه را که در کشورمان از منابع اساسی در اختیار داریم، از متوسط جهان بیشتر است. من بارها گفته‌ام: ما تقریباً يك صدم جمعیت دنیائیم، کشور ما هم تقریباً يك صدم وسعت دنیاست؛ اما منابع اصلی‌ای که ما داریم، از يك صدم بسیار بیشتر است. در بعضی از منابع، در میان همه‌ی کشورهای دنیا درجه‌ی اولیم؛ مثل منابع انرژی - نفت و گاز - که امروز در میان همه‌ی کشورهای دنیا، در رأس فهرست، ما هستیم. این خصوصیات ماست.

اقلیم ما اقلیم متنوعی است. کشور ما کشور وسیعی است. همه چیز، متناسب با نیازهای ما وجود دارد. طبیعت خوب داریم، معدن خوب داریم، مردم خوب داریم، استعداد خوب داریم، مسئولان دلسوز مردمی هم در سه قوه داریم، نیروهای مسلح پای کار و آماده و شجاع هم داریم، روحانیت فاضل و دلسوز و علاقه‌مند هم داریم، دانشگاه‌ها و مدارس پر جمعیت هم داریم - چهار میلیون جمعیت دانشجو، و میلیونها جمعیت دانش‌آموز - اینها امکانات ماست، استعداد ماست؛ عزم و اراده و امید هم در ملت ما وجود دارد.

حرکت‌مان از اول انقلاب تا امروز سیر صعودی داشته است. نتیجه‌ی این حرکت سیر صعودی هم پیشرفتی است که تا امروز حاصل شده است. آن مقداری که به تناسب سالها ما به دست آورده‌ایم، با توجه به دشمنی‌هائی که با ما شده است، برجسته است و پیشرفته‌ها جلوی چشم همه است. در امور زیربنائی، کشور پیشرفت کرده است؛ در خدمات مردمی، کشور پیشرفت کرده است؛ در معنویات، کشور پیشرفت کرده است؛ در دانش و فناوری هم همین جور. زیربنائیهائی که ما در آنها برجسته و ممتاز هستیم، در درجه‌ی اول عبارت است از ثبات سیاسی کشور. دولتهای گوناگونی سر کار آمدند، با وجود اختلاف نظرها و سلاطین سیاسی، لیکن ثبات کشور از اول انقلاب تا امروز استمرار داشته است و کشور به سمت هدفها حرکت کرده است. منازعات و درگیری‌های خطی و جناحی و سیاسی نتوانسته است ثبات سیاسی کشور را از بین ببرد؛ این مهمترین زیربناست.

البته زیربناهای اقتصادی بسیار مهمی، هم از لحاظ قانونی، هم از لحاظ واقعی و عملی وجود دارد. همین سیاستهای اصل 44 جزو زیربناهای قانونی است. زیربناهای مواصلاتی، ارتباطی، حمل و نقل، جاده‌ها، بزرگراه‌ها، خطوط ریلی و هوائی، فیبر نوری، نیروگاه‌ها، سدها؛ اینها کارهائی است که از اول انقلاب تا امروز انجام گرفته؛ آن هم اغلب نزدیک به همه، به دست جوانان و زبندگان و برجستگان علمی کشور خودمان. اینها چیزهای کمی نیست، اینها را ما به دست



آورده‌ایم.

یکی از مهمترین موجودی‌های باارزش ما، همین نسل جوان تحصیلکرده است. نسل جوان تحصیلکرده، هم شجاعت دارد، هم امید دارد، هم نشاط و تحرک دارد. من همین جا در داخل پراتنز عرض بکنم؛ یکی از خطاهائی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسئله‌ی تحدید نسل از اواسط دهه‌ی 70 به این طرف باید متوقف میشد. البته اولی که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه‌ی 70 باید متوقف میشد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده‌ی حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد. نسل جوان را باید حفظ کرد. با این روند کنونی اگر ما پیش برویم - من چندی پیش هم در ماه رمضان در سخنرانی گفتم - کشور پیر خواهد شد. خانواده‌ها، جوانها باید تولید مثل را زیاد کنند؛ نسل را افزایش دهند. این محدود کردن فرزندان در خانه‌ها، به این شکلی که امروز هست، خطاست. این نسل جوانی که امروز ما داریم، اگر در ده سال آینده، بیست سال آینده و در دوره‌ها و مرحله‌های آینده‌ی این کشور بتوانیم آن را حفظ کنیم، همه‌ی مشکلات کشور را اینها حل میکنند؛ با آن آمادگی، با آن نشاط، با آن شوقی که در نسل جوان هست، و با استعدادی که در ایرانی وجود دارد. پس ما مشکل اساسی برای پیشرفت نداریم.

البته مشکلاتی وجود دارد - که من به آنها اشاره خواهم کرد - مشکلاتی است در سطح کشور، منطقه‌ی شما هم از همین مشکلات دارد؛ که در درجه‌ی اول، مسئله‌ی بالا رفتن قیمت‌هاست، مسئله‌ی اشتغال است؛ اینها جزو گرفتاری‌های مردم است؛ مخصوص اینجا هم نیست، در سرتاسر کشور است. دوستان ما، قبل از سفر من نظرخواهی کردند، از مردم پرسیدند؛ دیدیم اینجا هم عین همان چیزی است که در جاهای دیگر وجود دارد. مسئله‌ی بالا رفتن قیمت‌ها و مسئله‌ی اشتغال و بیکاری، جزو دغدغه‌های اصلی است. این مشکلات وجود دارد؛ لیکن مشکلات اساسی و عوارضی که کشور، ملت و مسئولین نتوانند آنها را حل کنند، وجود ندارد.

در طول سی و سه سال انقلاب، خطرهای از این بزرگتر پیش آمده است. کشور این خطرها را برطرف کرده، از اینها عبور کرده است. آتشفشانی خواستند روشن کنند، ولی به مقصود خود نرسیدند. در درجه‌ی اول، در همان اولین ماه‌های پیروزی انقلاب، مسئله‌ی تحریک قومیتها در سرتاسر کشور بود. خوب، کشور ما کشور قومیت‌های متنوع است. سعی کردند این قومیتها را به جان هم بیندازند. در همین منطقه‌ی شما، یک عده کمونیست بی‌اعتقاد به دین و به وطن سعی کردند اقوام مؤمن و نجیب ترکمن را با مجموعه‌ی انقلاب مخالف کنند. چه کسی در مقابل اینها ایستاد؟ در درجه‌ی اول، خود عناصر مؤمن ترکمن در مقابل اینها ایستادند. علمای بانفوذ ترکمن - که بعضی از دنیا رفته‌اند، بعضی هم بحمدالله زنده هستند - خودشان در مقابل اینها ایستادند. جوانهای سایر مناطق کشور هم، هم در اینجا، هم در مناطق گوناگون دیگر، رفتند ایستادگی کردند. تحریک میکردند، آتش را روشن میکردند، روی آتش نفت میریختند، از طرق مختلف سعی میکردند آتش را گسترده کنند؛ اما به دست ملت ایران و عمدتاً به دست خود آحاد آن کسانی که میخواستند آنها را در مقابل انقلاب اسلامی قرار بدهند، آتش خاموش شد. در منطقه‌ی کردستان هم خود کردها، پیشمرگان مسلمان کرد و علمای مؤمن کرد، پیشگام و پیشقدم بودند. مناطق دیگر هم همین جور. این مشکل اولی بود که پیش آوردند. بعد جنگ تحمیلی را راه انداختند. هشت سال جنگ، شوخی است؟ خواستند انقلاب را از پا در بیاورند، به زانو در بیاورند؛ نتوانستند. ملت از این مرحله عبور کرد.

بعد مسئله‌ی تحریم را مطرح کردند. امروز دشمنان ما، رادیوها، بعضی‌ها هم با اینها همزبان میشوند، هی مسئله‌ی تحریم را بزرگ میکنند، بزرگ میکنند. تحریم مال امروز و دیروز نیست؛ از اوائل، تحریم وجود داشته است. البته تشدید کردند، اثر نکرده؛ باز تدبیر دیگری اندیشیدند، اثر نکرده است. تحریم از اول بوده است. امروز دشمنان ما - چه دولت آمریکا، چه بعضی از دولتهای اروپائی - تحریم را مرتبط کرده‌اند به مسئله‌ی انرژی هسته‌ای. دروغ میگویند. آن



روزی که اینها تحریمها را برقرار کردند، انرژی هسته‌ای در کشور نبود؛ صحبتش هم نبود. آنچه که اینها را از ملت ایران عصبانی میکند و به اینجور تصمیمها وادار میکند، سرافرازی ملت ایران است، گردنکشی ملت ایران است. این روحیه‌ی استقلال، این روحیه‌ی قدر خود شناختن، این روحیه‌ی عدم تسلیم که به برکت اسلام و قرآن در ملت ایران به وجود آمده، این است که آنها را عصبانی میکند؛ برای همین هم است که با اسلام بدند، برای همین هم است که به پیغمبر اسلام اهانت میکنند؛ میدانند که اسلام وقتی در یک کشوری رسوخ کرد، روحیه‌ی استقلال در آن کشور آنچنان خواهد بود که دیگر زیر بار آنها نمیرود. آنها افراد ضعیف و زبون را در رأس کشورها یا به دست می‌آورند یا منصوب میکنند، برای اینکه از آنها اطاعت کنند. وقتی جائی مثل کشور ما، مسئولین را مردم معین میکنند، حضور مردم در همه‌ی صحنه‌ها حضور برجسته‌ای است، آنها چه کار میتوانند بکنند؟ مردم مؤمن، مردم معتقد به مبانی اسلامی، مردم روحیه‌گرفته‌ی به برکت اسلام، در مقابل اینها کوتاه نمی‌آیند؛ لذا اینها هم عصبانی‌اند؛ حالا امروز اسمش را میگذارند انرژی هسته‌ای! وانمود میکنند که اگر ملت ایران از انرژی هسته‌ای صرفنظر کند، تحریمها برداشته میشود. دروغ می‌گویند. از روی بغض و کینه‌ای که دارند، تحریمهای غیر منطقی میکنند؛ تحریمهایی که همه‌ی عقلا و انسانهای باانصاف عالم وقتی نگاه میکنند، می‌بینند اینها کارهای غیر منطقی و در واقع وحشیانه است؛ این یک جنگ با یک ملت است. البته در این جنگ هم به توفیق الهی مغلوب ملت ایران خواهند شد. البته مشکلاتی به وجود می‌آورند، بعضی از بی‌تدبیری‌ها هم این مشکلات را افزایش میدهد - اینها هست - ولی اینها چیزی نیست که جمهوری اسلامی نتواند اینها را حل کند. به توفیق الهی، ملت ایران از همه‌ی این مشکلات عبور خواهد کرد. ملت ایران و مسئولین کشور از این بزرگترها و دشوارترهایش را حل کرده‌اند؛ اینها که چیزی نیست. اندک مشکلی پیش می‌آید، ابراز خوشحالی میکنند. در همین چند روزی که نوسان قیمت ارز و ریال، خبر اصلی اول خبرگزاری‌های آنها را تشکیل میداد، صریحاً ابراز خوشحالی کردند. متانت و وقار دیپلماسی را هم رعایت نمیکنند؛ بچگانه و کودکانه ابراز خوشحالی میکنند که برای ملت ایران مشکل درست کردیم، برای جمهوری اسلامی مشکل درست کردیم؛ این را صریح می‌گویند! دو سه ساعت یک عده در دو تا خیابان تهران می‌آیند چند تا سطل زباله را آتش میزنند، آنها آن طرف دنیا اظهار خوشحالی میکنند که آره، شلوغ شد، شلوغ شد! وضع ما بدتر است یا وضع شما؟ الان نزدیک یک سال است که خیابانهای کشورهای عمده‌ی اروپائی شب و روز تظاهرات است؛ در فرانسه تظاهرات است، در ایتالیا تظاهرات است، در اسپانیا تظاهرات است، در انگلیس تظاهرات است، در یونان تظاهرات است. مشکل شما بمراتب پیچیده‌تر از مشکل ماست. شما اقتصادتان قفل است؛ خوشحالی میکنید که اقتصاد ایران ضعیف شده؟ شما بدبختید، شما رو به رکود و انهدام و اضمحلالید. جمهوری اسلامی با این مشکلات از پا در نمی‌آید.

مشکلات اصلی، امروز گریبان خود غربی‌ها را گرفته. الان یکی از مسائلی که در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در درجه‌ی اول مطرح است، مشکلات اقتصادی است؛ مردم بیچاره‌اند، گرفتارند، طبقات ضعیف در آنجا دارند پامال میشوند. این جنبش 99 درصدی که گفته شد، یک واقعیت است؛ البته سرکوب میکنند. گرفتار اقتصادی، کشورهای آنها؛ آن وقت اینجا به کمتر از آن، به کوچکتر از آن، آنها ابراز خوشحالی میکنند!

بدانند جمهوری اسلامی به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی، بر این مشکلات فائق خواهد آمد و آنها را باز هم در حسرت شکست دادن ملت ایران خواهد گذاشت. به حول و قوه‌ی الهی و با هشیاری مردم و تدبیر مسئولان، مشکلات برطرف خواهد شد. هم مردم وظیفه دارند، هم ما مسئولان وظیفه داریم؛ همه باید به وظائفمان عمل کنیم. وقتی به وظیفه عمل کردیم، کارها پیش خواهد رفت. هشیاری مردم نقش دارد. ببینید در تهران یک عده‌ای به نام بازاری آمدند در خیابانها اغتشاش کنند، فوراً بازاری‌های محترم با موقع‌شناسی اعلامیه دادند، اعلان کردند که اینها دروغ می‌گویند، اینها از ما نیستند. این کار درستی است. اگر هشیاری قشرهای مختلف مردم و موقع‌شناسی آنها بوقت به



سراغشان بیاید، این بارزش است. این کار، کار بارزشی بود که انجام دادند. حرف من در فتنه‌ی 88 هم همین بود. در فتنه‌ی 88، چند روز بعد از انتخابات به آن عظمت، یک عده‌ای آمدند اظهار مخالفت کردند، یک عده هم از این فرصت استفاده کردند؛ سلاح گرفتند، کار را به آشوب و تشنج کشاندند، پایگاه بسیج را گلوله‌باران کردند. حرف ما این بود: آن کسانی که به نام آنها این کارها انجام می‌گرفت، باید همان وقت اعلامیه میدادند، اعلام بیزاری میکردند، میگفتند اینها از ما نیستند؛ اما نکردند. اگر این کار را میکردند، فتنه زودتر ریشه‌کن میشد؛ مسائل بعدی هم پیش نمی‌آمد. این هشیاری، موقع‌سنجی، لحظه را به حساب آوردن، خصوصیت برجسته و مهمی است که باید ملت ما در همه‌ی موارد متوجه باشند؛ آنجائی که دشمنی و توطئه‌ی دشمن حس میشود، به صورت لحظه‌ای باید همه حساسیت نشان بدهند. این از ناحیه‌ی مردم.

از ناحیه‌ی مسئولین کشور هم، آنها اتحاد لازم را با هم داشته باشند؛ همدلی داشته باشند، برنامه‌ریزی داشته باشند، مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری داشته باشند، تقصیرها را گردن هم نیندازند، حدود قانون اساسی را نسبت به خودشان حفظ کنند. قانون اساسی ما نقص ندارد، کمبود ندارد. نقش مجلس معلوم است، نقش دولت معلوم است، نقش رئیس‌جمهور معلوم است، نقش قوه‌ی قضائیه معلوم است؛ هرکدام وظائفی دارند، باید به وظائفشان عمل کنند؛ با هم همدلی کنند، با هم همراهی کنند، با هم همزبانی کنند. «پس زبان همدلی خود دیگر است / همدلی از همزبانی بهتر است».

ما بحمدالله در این زمینه هم مشکلی نداریم. مسئولین کشور دلسوزند. ما همه‌مان بشریم، همه‌مان انسانیم، خطاهائی میکنیم، اشتباهاتی از ما سر میزند؛ لیکن اشتباهات همه‌اش قابل جبران است. خوشبختانه مسئولین، مسئولین دلسوزی هستند؛ در رؤسای قوا، در بدنه‌های قوا، دلسوزی کم نیست، علاقه‌مندی به سرنوشت نظام کم نیست؛ همه‌شان دلسوزند، همه‌شان علاقه‌مندند؛ کار را ان‌شاءالله پیش می‌برند، الان هم مشغول تلاشند. توصیه‌ی من هم این است: فراموش نکنیم که کار، تلاش، امید، صبر و برنامه‌ریزی، لازمه‌ی حرکت از این مسیرهای مهم است. مسیری که ما داریم حرکت میکنیم، مسیر مهمی است؛ یک مسیری است که میتواند تاریخ جهان را متحول کند؛ کم‌اینکه دارد تاریخ منطقه را متحول میکند؛ می‌بینید. کی خیال میکرد که در منطقه‌ی مهم حساس شمال آفریقا و غرب آسیا - همین منطقه‌ای که اروپائی‌ها دوست دارند به آن «خاورمیانه» بگویند - این حوادث مهم اتفاق بیفتد؟ اتفاق افتاده است، تمام هم نشده است. حوادثی هم که اتفاق می‌افتد، به زیان غرب و بخصوص به زیان آمریکا و تهدید رژیم صهیونیستی است. حالا یاهوگوئی‌های مسئولان رژیم صهیونیستی که اینقدر اهمیت ندارد که انسان بخواهد به اینها پاسخ دهد. یک مقدار آنها میگویند، یک مقدار بعضی از غربی‌ها میگویند. عمده، آمریکائی‌ها و دنباله‌روهای آنها؛ اروپائی‌ها خیلی انگیزه‌ای ندارند. همراهی اروپائی‌ها با آمریکا در این قضیه، یک همراهی عاقلانه و خردمندانه‌ای نیست؛ دارند خودشان را مثل پیشمرگ آمریکا، قربان آمریکا میکنند؛ حماقت میکنند. مردم ما از خیلی از کشورهای اروپائی خاطره‌ی بدی ندارند. ما از فرانسه، از ایتالیا، از اسپانیا خاطره‌ی بدی نداریم. بله، از انگلیس خیلی خاطره‌ی بد داریم؛ انگلیس را میگوئیم «انگلیس خبیث»؛ لیکن کشورهای دیگر اروپائی نه. با این کاری که اینها دارند میکنند - همراهی با آمریکا - که به نظر ما کاملاً غیرخردمندانه است، دشمنی ملت ایران را به خود جلب میکنند؛ خودشان را در چشم ملت ایران منفور میکنند.

ما از این گردنه‌ها عبور خواهیم کرد. ملت ما چابکتر و شجاع‌تر و تواناتر از این است که در بین این راهها بماند. سی و سه سال است که ما داریم در این مشکلات طی طریق میکنیم؛ روزبه‌روز هم عضلات ما قوی‌تر، آمادگی ما بیشتر، تجربه‌ی ما گرانبهارتر شده. ما که گیر نمیکنیم، شما گیر میکنید. شما با جلب نفرت ملت ایران، برای خودتان مشکل درست میکنید. اینها اشتباه میکنند. ملت ایران از اینها عبور خواهد کرد. البته شرطش همین است: ملت، آحاد گوناگون مردم، ایستادگی‌شان، پای کار بودنشان، ثباتشان، هشیاری‌شان، موقع‌شناسی‌شان، به جای خود، مثل همه‌ی



دورانهای بعد از انقلاب تا امروز باشد؛ مسئولین هم به وظائفشان عمل کنند؛ مطمئناً آنچنان که آرزوی مردم است، قضایا پیش خواهد رفت؛ این مشکلات اقتصادی هم برطرف خواهد شد.

البته اساس قضیه، امروز عبارت است از تولید ملی. علاج اصلی و بنیانی، عبارت است از تولید ملی؛ همانی که ما در شعار سال عرض کردیم: تولید ملی، کار و سرمایه‌ی ایرانی. گرانی را این از بین میبرد، تولید را این افزایش میدهد، اشتغال را این به وجود می‌آورد، بیکاری را این از بین میبرد، سرمایه‌های ملی را به کار می‌اندازد، روحیه‌ی استغناء ملت ایران را تقویت میکند. مسئولین کشور در سطوح مختلف باید هرچه میتوانند، به مسئله‌ی تولید ملی توجه کنند. البته خطاب ما در درجه‌ی اول به مسئولین درجه‌ی یک است در سطوح بالای کشوری؛ چه در مجلس، چه در دولت؛ لیکن سطوح بعدی، سطوح پائینی، سطوح استانی، همه باید توجه کنند.

در این استان، مثل استانهای دیگر، توجه مسئولین - چه نمایندگان مجلس، چه نمایندگان دولت - باید به رفع مشکلات مردم باشد؛ که در درجه‌ی اول، همین مسئله‌ی تولید و به‌کارگیری امکانات بومی است. مطمئناً در این استان، با وجود آب، با وجود زمین حاصلخیز، با وجود طبیعت مستعد کشاورزی، با وجود دامداری غنی که توانسته نیازهای بسیاری را در خارج از این استان هم برآورده کند، با وجود صنایعی که میتواند پائین‌دستی‌های زیادی داشته باشد - صنایع بزرگی در این استان هست که پائین‌دستی‌های این صنایع میتواند مورد توجه قرار بگیرد - اشتغال و تولید و شور و نشاط مردمی افزایش پیدا خواهد کرد. اینها چیزهائی است که باید مورد اهتمام مسئولین این استان باشد.

صحبت‌ها طول کشید. مایل نبودم در آفتاب، شما برادران و خواهران عزیز را اینقدر معطل کنم. البته حرف‌ها زیاد است، حرف‌های من هم تمام نشد؛ لیکن خوب، در چند روز آینده، در جاهای مختلف مهمان شما مردم عزیز این استان هستیم؛ عریضی داریم، عرض خواهیم کرد. با جوانها، با روحانیون، با مسئولین گوناگون فرهنگی و علمی، با بسیج، با دیگر قشرهای گوناگون، با بعضی از شهرها، مطالب فراوانی را که فکر میکنم مفید است به شما عرض کنم، عرض خواهم کرد. امیدواریم خدای متعال برکات خودش را بر شما نازل کند.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، برکات خود، رحمت خود، فضل خود، عافیت خود را بر مردم این استان نازل کن. پروردگارا! جوانها را حفظ کن. پروردگارا! دست دشمنان را قطع کن. پروردگارا! به محمد و آل محمد، ما را در راهی که مورد رضای تو و مورد رضای اولیای توست، ثابت‌قدم بدار. شهدای عزیز ما و روح مطهر امام شهدا را با اولیائت محشور کن.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

(1) من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 156

(2) همان